

An analysis & new point of view for the word nemesis in ۶۲۲ article of the penal law established at ۱۳۹۲

Roghaye Nasiri^۱, Seyed Ali Rabbani mousaviyan^۲

^۱Masters of Jurisprudence & Islamic Law, Islamshaher Islamic , Azad University, Islamshahr Branch, Islamshahr, Iran. roghayehnasiri^۱@Gmail.com

^۲Assistant Professor , Jurisprudence and Law, Islamic Azad University, Islamshar Branch, Islamshahr, Iran (**Corresponding Author**).

a.rabbani^۱۰@yahoo.com

Abstract

Abortion is said to be either deliberate or self-embryo extinction before being able to live outside the womb. One of the kinds of abortions is the intentional abortion of the fetus. There is a dispute between the Islamic jurists and the lawyers about the punishment of this type of abortion. The famous jurisprudents consider it punishable as Qisas , as the Islamic Penal Code of ۱۳۷۰ has also stated on this basis. In the New Penal Code of ۱۳۹۲, this term is ambiguous. In this research, it has been tried to reveal this ambiguity with an analytical review of the word qisas in Article ۶۲۲ and to explain the correct view. Meanwhile, in the introduction, there is a brief glance at the laws of other countries on the issue of abortion and, while providing statistical information on this, will clarify the position of Iran's laws in discussing abortion with the laws of other countries. Findings of the research suggest that like many countries , Iranian domestic laws, considering the impact of religion and human aspects, , except in certain cases, do not allow this practice, and also shows that the purpose of the term "qisas" according to the evidence Legal evidence and jurisprudential principles. Contrary to the famous point of view, there should be Qisas against the full fetus whose soul has been blown in, not one against the mother, as the famous Islamic jurisprudents point out this view.

Keywords: Intentional Abortion , Article ۶۲۲ of the Islamic Penal Code, Qisas, The Punishment of Abortion , Other Countries.

بررسی و بازنگری مقصود از واژه قصاص در
ماده ۶۲۲ کتاب پنجم قانون مجازات مصوب ۱۳۹۲ از منظر فقهی

رقیه نصیری^۱، سید علی ربانی موسویان^۲

^۱کارشناسی ارشد، رشته فقه و حقوق اسلامی، واحد اسلام شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اسلام شهر، ایران

roghayehnasiri^۱@Gmail.com

^۲استادیار، گروه فقه و حقوق اسلامی، واحد اسلام شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اسلام شهر، ایران (نویسنده مسئول).

a.rabbani^{۱۰}@yahoo.com

چکیده

خروج عمدی یا خود به خودی جنین را قبل از آنکه قادر به زندگی در خارج رحم باشد، سقط جنین می‌گویند. یکی از اقسام سقط جنین، سقط جنین عمدی می‌باشد. در مورد مجازات این نوع از سقط میان فقها و حقوق‌دانان اختلاف است. مشهور فقها کیفر آن را قصاص دانسته‌اند. همان طور که قانون مجازات مصوب ۱۳۷۰ نیز بر همین اساس تصریح داشته است. در قانون مجازات مصوب ۱۳۹۲ عبارت مقنن در این مورد ابهام دارد. در این پژوهش تلاش شد با بررسی تحلیلی واژه قصاص در ماده ۶۲۲ از این ابهام پرده برداشته و دیدگاه صحیح را تبیین نماید. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که همان طور که دیدگاه مشهور فقها مویب آن است جز در موارد خاص، عمل مذکور جایز نمی‌باشد و همچنین نشان می‌دهد مقصود از واژه قصاص با توجه به ادله و قرائن قانونی و مبانی فقهی بر خلاف دیدگاه مشهور حقوق‌دانان، قصاص در مقابل سقط جنین کاملی است که روح در او دمیده شده، نه قصاص در برابر جنایت وارد شده بر مادر.

کلیدواژه‌ها: سقط جنین عمدی، ماده ۶۲۲ قانون مجازات، قصاص، مجازات سقط جنین.

۱. مقدمه

از گذشته دور دو دیدگاه متفاوت در موضوع سقط جنین وجود داشته است. یکی دیدگاه موحدین و ادیان توحیدی و برخی متفکرین و دیگری دیدگاه مشرکین و مکاتب بشری و اکثر فلاسفه. یونانیان و رومیان سقط جنین را بدون هیچ محدودیتی انجام می‌دادند. یونانیان باستان سقط جنین را برای کنترل جمعیت به کار می‌بردند. در قوانین روم باستان آمده است که نوزادی که در شکم مادرش است، شخص محسوب نمی‌شود، از این حیث سقط جنین و حتی نوزادکشی در میانشان جایز بود. افلاطون قائل بود که زنان بالای چهل سال باید مجبور به سقط جنین شوند. سقراط سقط جنین را با میل مادر جایز می‌دانست و ارسطو در صورتی که مادر اولاد زیادی داشته آن را تجویز می‌نمود. اما در مقابل در سوگندنامه بقراط آمده است: من هرگز به خواست کسی که داروی مرگ‌آوری طلب کند، وقعی نخواهم نهاد، و نه هرگز اشاره و پیشنهاد در این زمینه خواهم کرد. همچنین هیچ‌گاه داروی سقط جنینی به زنی نخواهم داد (ملایوسفی، ۱۳۸۸، ص ۱۷۸-۱۵۶). در امپراطوری ایران، انجام سقط جنین مجازات سنگین و سختی در پی داشت. در آموزه‌های سنت کهن زرتشتی نیز سقط جنین مردود و ناروا به شمار می‌آمد (آقایی، ۱۳۸۴، ص ۳۶۱-۳۴۹). در کتب مقدس یهودیان و مسیحیان و همچنین در آیین مقدس اسلام، سقط جنین نکوهش شده است. تا قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم نیز سقط جنین در اکثر کشورهای دنیا مطرود و غیرقانونی بود (کوزه‌گر، ۱۳۸۶، ص ۴۷).

۲. تعاریف مفهومی

۱-۲. تعریف جنین

معنای لغوی: جنین از ریشه جن به معنی پوشیدن و مستور کردن است (صدر حاج سید جوادی و همکاران، ۱۳۸۳، ج ۵، ص ۴۹۴) و جنین بر وزن فعل اسم مفعول است، به معنای پوشیده شده. بر همین اساس معنای جنین در کتب لغت چنین آمده است: الجنین، الولد مادام فی بطن أمه، لاستتاره فیه و جمعه اجنه و اجنن، و قد جن الجنین فی الرحم واجنه الحامل جنین (محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ق، ج ۱۳، ص ۱۷۵، شرتونی لبنانی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۱۴۴، فیروزآبادی، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۲۱۰؛ طریحی، ۱۴۰۳ق، ج ۶، ص ۲۳۰؛ انیس و دیگران، ۲۰۰۴م، ج ۱، ص ۲۲۰)، فرزند است تا زمانی که در شکم مادرش است و به علت مخفی بودنش در رحم، جنین نام گرفته است. جمع لفظ جنین، اجنه و اجنن است، جنین در رحم پوشیده شده و حامل جنین آن را پوشانده است. الفاظ حمل و حبل نیز در معنای جنین به کار می‌رود و در مواد قانونی و حقوق ایران هم از لفظ حمل به جای جنین استفاده شده است. در کتب لغت نیز معنای آن مترادف با جنین است، چنانکه آمده است: الحمل، ما فی البطن من ولد (شرتونی لبنانی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۲۳۲)، حمل، فرزند در رحم را گویند.

معنای اصطلاحی: شهید ثانی در تعریف جنین می‌گوید: «الجنین و هو الولد مادام فی بطن» (شهید ثانی، ۱۳۸۸، ج ۸، ص ۲۰۹). جنین به فرزند گفته می‌شود تا زمانی که در رحم است.

براساس ماده ۷۱۶ قانون مجازات اسلامی و ماده ۹۰۷ قانون مدنی، جنین همان نطفه استقرار یافته در رحم مادر است که آغاز زندگی‌اش همان زمان استقرار یافتنش است و پایان جنین بودنش، ورود به مرحله جدید یعنی اطلاق طفل بر آن لحظه، قبل از ولادت است (شهیدی، ۱۳۸۲، ص ۱۶۲).

۲-۲. تعریف سقط جنین

معنای لغوی: سقط جنین در معنای لغوی به معنای بچه انداختن یا بچه افکندن پیش از زمان یا به بچه ناتمام از شکم افتاده اطلاق می‌شود. بنابراین، خروج بچه پیش از زمان مقرر را سقط جنین می‌گویند (دهخدا، ۱۳۳۷، ذیل کلمه سقط).

معنای اصطلاحی: در قانون مجازات ایران، سقط جنین تعریف نشده است. لذا برخی از حقوق‌دانان به تعریف آن مبادرت ورزیده‌اند. سقط جنین عبارت است از اخراج عمدی جنین قبل از موعد طبیعی به نحوی که زنده یا قابل زیستن نباشد یا منقطع ساختن دوران بارداری (گلدوزیان، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۳۸۱).

۳. نگاهی بر وضعیت سقط جنین و جرم‌انگاری آن در کشورهای مختلف جهان

طبق آمار جهانی، سالانه ۷۵ میلیون بارداری ناخواسته در دنیا پیش می‌آید که از این میان ۴۵ میلیون نفر تصمیم به سقط جنین می‌گیرند. مطابق این آمار هر سال حدود ۵۸۵ هزار زن در جهان به دلیل عوارض حاملگی جان خود را از دست می‌دهند که از این تعداد بیست درصد آن به دلیل سقط‌های غیر قانونی است. لذا در نخستین سال‌های دهه ۱۹۵۰ آزادسازی سقط جنین در بسیاری از کشورهای اروپایی مورد توجه قرار گرفت و سپس به سایر کشورها نیز سرایت نمود. در حال حاضر در چند کشور اروپایی از جمله فنلاند، سوئیس، پرتغال و اسپانیا شرایط خاصی از جمله اوضاع بد اقتصادی خانواده، سن کم یا زیاد زن برای بارداری، وضعیت مجرد زن و تعداد زیاد فرزندان برای جواز سقط در نظر گرفته شده است.

قوانین برخی کشورهای جهان تحت هیچ شرایطی اجازه سقط جنین نمی‌دهد، از جمله شیلی، السالوادور، نیکاراگوئه، دومینکن، مالت و واتیکان و بالعکس قوانین بسیاری از کشورها به هر دلیلی سقط جنین را جایز می‌داند از جمله ترکیه، بحرین، تونس، آفریقای جنوبی، کانادا، کوبا و چین. شاید چین تنها کشوری است که طبق قوانین سابقش در صورت حامله شدن زن به فرزند دوم و طبق قوانین جدیدش در صورت حامله شدن زن به فرزند سوم تا قبل از پنج ماهگی اجبار به سقط جنین می‌گردد. برخی کشورها سقط جنین را تنها در صورت تهدید سلامت مادر مجاز دانسته‌اند از جمله عراق، لبنان، یمن، سوریه و در میان کشورهای اروپایی ایرلند تنها کشوری است که سقط به هر دلیلی غیر از حفظ جان مادر را در قانون اساسی ممنوع اعلام کرده، با این حال زنان ایرلندی در صورت نیاز برای انجام سقط جنین مجاز به سفر به انگلستان خواهند بود.

پاپ فرانسیس رهبر کاتولیک‌های جهان طی کنفرانسی در بهار سال ۱۳۹۸ اعلام کرد سقط جنین در هیچ شرایطی قابل چشم‌پوشی نیست، حتی اگر جنین به صورت جدی با معضل تندرستی و نقص مواجه باشد.

براساس گزارش سازمان ملل در سال ۱۹۹۹ میلادی از پژوهشی که در رابطه با تجویز سقط جنین و دلایل آن از کشورهای مختلف جهان به عمل آورد، مهمترین دلایل سقط جنین بدین شرح اعلام شد: حفظ جان مادر، حفظ سلامت جسمانی زن، حفظ سلامت روانی زن، وضعیت جنین‌های ناشی از عنف و زنا با محارم، ناقص بودن جنین، دلایل اقتصادی و اجتماعی و خواست خود زن.

مطابق این تحقیق از میان ۱۹۳ کشور جهان ۱۸۹ کشور، سقط جنین را برای حفظ جان مادر مجاز کرده‌اند. سقط جنین به دلیل سلامت جسمانی زن و معالجه او در ۱۲۲ کشور قانونی و در ۷۱ کشور غیر قانونی است. سقط جنین برای حفظ سلامت روانی زن در ۱۲۰ کشور جایز و در ۷۳ کشور غیر قانونی است (chad، ۲۴ آگوست، ۱۹۹۹م)

۴. سقط جنین در قوانین جزایی ایران

در ایران، پیرامون جرم سقط جنین سه دوره قانون‌گذاری مشاهده می‌شود: دوره اول، قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ است که در این قانون، مقنن به موجب مواد ۱۸۰ الی ۱۸۳، سقط جنین عمدی را در اشکال مشخصی جرم و برای آن مجازات تعیین کرده است و در سال ۱۳۵۲ به تغییر نوع مجازات (حبس) از تأدیبی با اعمال شاقه به حبس‌های جنحه‌ای و جنایی درجه یک در این جرم اکتفاء شد.

دوره دوم، مقنن در سال ۱۳۶۲، بعضی از مصادیق سقط جنین عمدی را در دو ماده ۹۰ و ۹۱ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) خلاصه کرد. ماده ۹۰ مقرر کرده بود «هر کس زن حامله را دلالت به استعمال ادویه یا وسایل دیگری که موجب سقط حمل می‌گردد، بنماید، به سه الی شش ماه حبس محکوم می‌شود». ماده ۹۱ همین قانون مقرر کرده بود «اگر زن حامله برای سقط جنین به طبیب و قابله مراجعه کند و طبیب هم عالمماً و عامداً مباشرت به اسقاط جنین نماید، دیه جنین برعهده اوست و اگر روح در جنین دمیده شده باشد، باید قصاص شود و اگر او را به وسائل اسقاط جنین راهنمایی کند، به شش ماه تا سه سال حبس محکوم می‌شود».

در هر دو دوره مذکور، سقط جنین غیرعمدی با وسیله نقلیه، طی ماده ۵ قانون تشدید مجازات رانندگان مصوب ۱۳۲۸ و ماده ۱۵۲ ق.م.ا (تعزیرات) نیز جرم شناخته شده بود. در دوره سوم در سال ۱۳۷۵، به علت اشکالات عدیده‌ای که در سقط جنین عمدی مشهود بود، مقنن با وضع مواد ۶۲۲، ۶۲۳، ۶۲۴ در قانون مجازات اسلامی تا حدودی به نارسایی‌ها خاتمه داد.

۴-۱. سقط جنین در قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲

در قانون مجازات جدید تغییرات متعددی در مورد مواد مربوط به سقط جنین و مجازات آن به چشم می‌خورد که بحث ما در میان مواد مربوط به سقط جنین (ماده ۳۰۶ از کتاب سوم و ۷۱۶ تا ۷۲۱ از کتاب چهارم و ۶۲۲ تا ۶۲۵ و ۷۱۵ از کتاب پنجم) بیشتر بر دو ماده ۳۰۶ و ۶۲۲ متمرکز است.

ماده ۶۲۲ کتاب پنجم ق.م.ا.: هر کس عالمماً و عامداً به واسطه ضرب یا اذیت و آزار زن حامله، موجب سقط جنین وی شود، علاوه بر پرداخت دیه یا قصاص، حسب مورد به حبس از یک تا سه سال محکوم خواهد شد.

ماده ۳۰۶ کتاب سوم ق.م.ا.: جنایت عمدی بر جنین، هرچند پس از حلول روح باشد، موجب قصاص نیست. در این صورت مرتکب علاوه بر پرداخت دیه به مجازات تعزیری مقرر در کتاب پنجم این قانون محکوم می‌شود. **تبصره:** اگر جنینی زنده متولد شود و دارای قابلیت ادامه حیات باشد و جنایت قبل از تولد منجر به نقص یا مرگ او پس از تولد شود و یا نقص او بعد از تولد باقی بماند، قصاص ثابت است.

۴-۲. اقسام سقط جنین از نظر مسئولیت کیفری

جرم سقط جنین با توجه به انگیزه و قصد مرتکب به سقط جنین عمدی و غیرعمدی تقسیم می‌شود که سقط جنین غیرعمدی نیز به دو قسم شبه عمد و خطای محض تقسیم می‌شود. بر مبنای تعاریف قتل عمد و شبه عمد و خطای محض، جرم سقط جنین عمدی و شبه عمدی و خطایی را می‌توان اینگونه تعریف نمود:

سقط جنین عمدی: عبارت است از سقط جنینی که شخص با اراده و قصد سقط، مرتکب عملی شود یا اینکه بدون قصد رفتاری مرتکب شود که نوعاً سقط کننده بوده و نتیجه‌ای که همان اسقاط جنین است، صورت پذیرد.

سقط جنین شبه عمد: عبارت است از اینکه مرتکب، قصد انجام فعل که ایراد ضرب یا اذیت و آزار مجنی علیها(زن حامله) می‌باشد را دارد، اما حصول نتیجه مجرمانه که همان سقط جنین است را نمی‌خواهد، یعنی قصد اسقاط جنین را ندارد و فعل وی نیز غالباً موجب سقط نمی‌گردد.

سقط جنین خطای محض: عبارت است از اینکه مرتکب، نه قصد انجام فعل از قبیل ضرب و اذیت و آزار و غیره را دارد و نه خواهان نتیجه مجرمانه، یعنی سقط جنین است، اما اتفاقاً و در اثر عدم تفکر و بی‌مبالاتی و یا در اثر عدم رعایت نظامات دولتی موجب سقط جنین زن حامله می‌گردد.

۳-۴. بررسی عناصر و ارکان جرم سقط جنین عمدی

الف. رکن معنوی سقط جنین عمدی: رکن معنوی در سقط جنین عمدی متشکل از دو دسته به علاوه یک شرط است که عبارتند از:

- ۱- سوءنیت عام: قصد انجام عمل مجرمانه و روش‌های سقط جنین،
 - ۲- سوءنیت خاص: خواست تحصیل نتیجه مجرمانه که همان سقط جنین است. علاوه بر این، مرتکب باید به حامله بودن زن نیز علم داشته باشد.
- ب. رکن مادی سقط جنین عمدی: رکن مادی جرم سقط جنین عمدی همان عملی است که شخص مرتکب آن می‌شود که منتهی به اسقاط جنین زن حامله می‌شود. برای تحقق رکن مادی سقط جنین عمدی شرایط زیر لازم است:
- ۱- آپستنی زن و وجود جنین زنده: اگر زن حامله نباشد یا جنین در رحم او قبلاً مرده باشد، به جهت غیرممکن بودن سقط جنین، عمل مرتکب بر روی زن سقط جنین محسوب نخواهد شد.

۲- انجام فعل یا عمل مادی توسط مرتکب

ارتکاب عمل مادی به دو صورت است:

- الف. شخص خود مستقیماً مباشرت به سقط جنین کند، مثلاً با ضرب و جرح یا توسط پزشک،
 - ب. عمل مجرمانه غیرمستقیم که شخص خودش مباشرت به سقط نکرده و فقط زن حامله را به سقط جنین راهنمایی کند.
- ۳- استفاده از روش‌های سقط جنین: اعم از روش‌های شیمیایی یا فیزیکی، طبیعی یا مصنوعی مثل دادن ادویه یا مشروبات الکلی یا بکار بردن وسایل جراحی که باعث کورتاژ و یا راه رفتن زیاد و بی‌موقع و اسب سواری و غیره.
- ۳- وجود رابطه سببیت بین عمل مرتکب و جنین سقط شده: وقتی سقط جنین محرز و قابل مجازات است که مشخص شود بین عمل مرتکب و جنین سقط شده رابطه سببیت وجود دارد. برای تحقق عنصر مادی جرم سقط جنین یا حمل، انجام هر نوع فعل مثبت مادی بر روی زن حامله، خواه از طریق مباشرت و خواه از طریق معاونت کافی است.
- در سقط جنین ملاک سقط شدن جنین، سلب حیات آن است نه اخراج آن، هرچند که جنین سلب حیات شده ممکن است پیش از موعد خارج شود و صرف اخراج پیش از موعد جنین را نمی‌توان سقط جنین دانست.
- چنانچه جنین از قبل مرده باشد یا زن اساساً حامل نباشد، سقط جنین منتفی است. در اسقاط جنین عمدی، مرتکب باید علم به حامل بودن زن داشته باشد و با قصد سقط جنین اقدام نماید و در صورتی که بدون اطلاع از حامل بودن وی و بدون اینکه نتایج حاصله قابل پیش‌بینی باشد، عمل وی منجر به سقط حمل شود، مرتکب مشمول مقررات سقط جنین عمدی نبوده و ممکن است عمل وی حسب مورد شبه عمدی یا خطای محض باشد.
- سقط جنین یا سقط حمل مستلزم انعقاد نطفه در داخل رحم است که بر اثر عمل مادی باید از آن جدا شده و خارج گردد. بنابراین، در حال حاضر اتلاف نطفه بارور شده و در خارج رحم با توجه به مقررات جاری سقط جنین تلقی نمی‌شود (سرخه و ملک‌زاده، ۱۳۹۵، ص ۱۰).

ج. رکن قانونی سقط جنین عمدی: رکن قانونی سقط جنین عمدی شامل چهار شکل می‌شود:

۱- سقط جنین عمدی توسط مادر

اگر سقط جنین عمدی توسط مادر صورت پذیرد و مباشر خود مادر باشد به موجب ماده ۷۱۸ کتاب چهارم ق.م.ا. مادر فقط محکوم به پرداخت دیه می‌شود و خودش از آن دیه سهمی نمی‌برد (ماده ۷۱۸ کتاب چهارم مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲). هرگاه زنی جنین خود را در هر مرحله‌ای که باشد به عمد، شبه عمد، یا خطا از بین ببرد، دیه جنین، حسب مورد توسط مرتکب یا عاقله او پرداخت می‌شود. چنانچه ملاحظه می‌شود: اگر زن به حاملگی خود علم نداشته باشد و عملی انجام دهد که منجر به سقط جنین شود بدون اینکه عمد، ناظر به آن باشد، سقط جنین عمدی محسوب نمی‌شود.

۲- سقط جنین عمدی توسط غیر متخصص (غیر مادر)

الف. اگر سقط جنین عمدی توسط غیر متخصص باشد، یعنی شخص خودش اقدام به اسقاط جنین زن حامله نماید، براساس قسمت اول ماده ۶۲۳ کتاب پنجم مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، به شش ماه تا یک سال حبس و پرداخت دیه محکوم می‌شود (مباشر).

ب. اگر شخص غیرمتخصص مادر را راهنمایی و دلالت به کاری کند که با ارتکاب به آن عمل، جنین وی اسقاط شود، براساس قسمت دوم ماده ۶۲۳، شخص به سه تا شش ماه حبس محکوم خواهد شد (معاونت). اگر در موارد فوق به اثبات برسد که بنا به ضرورتی مثل حفظ جان مادر، سقط جنین انجام گرفته است، مجازات حبس لغو می‌شود، شخص فقط به پرداخت دیه محکوم خواهد شد.

۳- سقط جنین عمدی توسط متخصص

چنین عملی در مورد پزشک یا قابله‌ای که اقدام به سقط جنین زنی می‌کنند، مجری خواهد بود، اگر اشخاصی مثل پزشک، ماما، دارو فروش یا جراح، وسایل سقط جنین را فراهم کرده یا خود مباشرت به اسقاط جنین نمایند، به موجب ماده ۶۲۴ کتاب پنجم مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به حبس از دو تا پنج سال و پرداخت دیه محکوم خواهند شد. در این مورد به خاطر تخصص و خصوصیت شغلی، نوع مجازات شدیدتر از موارد دیگر است.

۴- سقط جنین عمدی به واسطه آزار و اذیت

اگر شخصی مبادرت به اسقاط جنین عمدی زن حامله‌ای به وسیله ایراد ضرب و جرح و آزار و اذیت نماید، به موجب ماده ۶۲۲ کتاب پنجم ق.م.ا. که نسبت به مواد دیگر مجازات شدیدتری را اعمال می‌کند و عامل تشدید مجازات هم وسیله ارتکاب جرم می‌باشد، عبارت است از ایراد ضرب و شتم و آزار و اذیت، به دیه یا قصاص و حبس از یک سال تا سه سال محکوم می‌شود که البته همان طوری که بیان شد، این ماده مجازات سنگین و شدید یعنی قصاص را مقرر می‌دارد.

عنصر قانونی سقط جنین را می‌توان در صورت ذیل خلاصه نمود:

- سقط جنین عمدی توسط مادر (ماده ۷۱۸ کتاب چهارم ق.م.ا.)،
- سقط جنین عمدی توسط غیرمتخصص (ماده ۶۲۳ کتاب پنجم ق.م.ا.)،
- سقط جنین عمدی توسط متخصص (ماده ۶۲۴ کتاب پنجم ق.م.ا.)،
- سقط جنین عمدی در شرایط عادی (ماده ۳۰۶ کتاب سوم ق.م.ا.)،
- سقط جنین عمدی در شرایط خاص (ماده ۶۲۲ کتاب پنجم ق.م.ا.)،

در توضیح مورد اخیر بنا بر یکی از دو تفسیر حقوق دانان از این ماده باید گفت: مبادرت به اسقاط جنین عمدی زن حامله به وسیله ایراد ضرب و جرح و آزار و اذیت، عامل تشدید مجازات بوده و به موجب ماده ۶۲۲ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ که نسبت به مواد دیگر مجازات شدیدتری را اعمال می‌نماید، موجب محکومیت مرتکب به دیه یا قصاص و حبس از یک سال تا سه سال می‌شود.

۴-۴. بررسی مجازات سقط جنین عمدی در قوانین موضوعه

در مورد جنایت بر جنین در حقوق ایران، نخستین بار در قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ مواد ۱۸۰ تا ۱۸۴ این قانون بدون توجه به منابع فقهی و تحت تاثیر قانون جزای فرانسه، سقط جنین را از عنوان قتل خارج دانسته و مجازات کسی را که با ضرب و یا هر نوع اذیتی موجب سقط حمل زنی گردد، حبس جنایی درجه یک از سه تا ده سال قرار داده است، ولی دیوان عالی کشور در همان دوران، بیشتر تحت تاثیر منابع فقهی بود و براساس موازین شرعی آراء خود را صادر می‌کرد. (ولیدی، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۱۱۸). پس از پیروزی انقلاب اسلامی، تدوین‌کنندگان قوانین جزایی به پیروی از منابع فقهی، از طرح مجازات سقط جنین در کتاب قصاص خودداری کردند و در کنار بیان دیه‌ی مراحل مختلف جنین در مواد ۲۹۷ تا ۳۰۲ قانون دیات مصوب سال ۱۳۴۲، مجازات قصاص را برای قتل عمدی جنین دارای روح در ماده ۹۱ قانون تعزیرات مصوب همان سال مقرر داشتند.

با تصویب «قانون مجازات اسلامی» در سال ۱۳۷۰ که صورت اصلاح شده قوانین مصوب سال ۱۳۶۲ بود و تصویب بخش تعزیرات آن در سال ۱۳۷۵ ماده ۹۱ تعزیرات به ماده ۶۲۲ کتاب تعزیرات این قانون مبدل شد و به این صورت تغییر یافت: هر کس عالماً و عامداً به واسطه ضرب یا اذیت و آزار زن حامله، موجب سقط جنین وی شود، علاوه بر پرداخت دیه یا قصاص حسب مورد به حبس از یک تا سه سال محکوم خواهد شد.

با تصویب قانون مجازات اسلامی در سال ۱۳۷۵ موضوع ثبوت یا عدم ثبوت قصاص در سقط جنین تا حدی با ابهام مواجه شد و در برداشت از ماده ۶۲۲ قانون مجازات اسلامی دیدگاه‌های متفاوتی شکل گرفت:

دکتر گلدوزیان درباره ماده ۶۲۲ کتاب پنجم ق.م.ا. معتقد است کلمه قصاص در این ماده در مورد شخص مادر به کار رفته است (گلدوزیان، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۱۶۹). اما دکتر اردبیلی در این زمینه می‌نویسد: «در قانون مجازات اسلامی ایران اگر سقط جنین عمدی، شبه عمدی و یا خطای محض باشد، مرتکب به پرداخت دیه محکوم می‌شود و در سقط جنین غیر عمدی ناشی از رانندگی، به حبس تعزیری و در صورت مطالبه دیه از طرف اولیای دم، ضامن دیه هم خواهد بود، ولی اگر سقط جنین، عمدی و در دوران حیات زیستی باشد، مرتکب، مستوجب قصاص است (اردبیلی، ۱۳۸۳، ص ۱۳۹).

یکی از حقوق دانان این دو برداشت متفاوت را این گونه بر ماده فوق تطبیق داده است که اگر بعد از کلمه قصاص ویرگول (،) بگذاریم و ماده را به این نحو بخوانیم: علاوه بر پرداخت دیه یا قصاص، حسب مورد به حبس از یک تا سه سال محکوم خواهد شد، این برداشت حاصل می‌شود که مجازات اصلی اسقاط عمدی جنین ذی روح، دیه یا قصاص است، پس منظور از حسب مورد به حبس از یک تا سه سال محکوم خواهد شد، این است که اگر شخصی به پرداخت دیه محکوم شود، مجازات حبس نیز در مورد او اعمال می‌شود و اگر به قصاص نفس محکوم شود، یک تا سه سال حبس در قصاص تداخل می‌یابد و در صورت استیفای قصاص از وی، دیگر مجازات حبس اعمال نمی‌شود. اما اگر بعد از کلمه حسب مورد ویرگول بگذاریم، این برداشت حاصل می‌شود که پرداخت دیه یا قصاص معطوف به صدر ماده است، یعنی دیه و قصاص مربوط به ضرب، آزار و اذیت زن حامله است (حسین جانی، ۱۳۸۲، ص ۷۰).

یکی دیگر از حقوق دانان با توجه به اینکه موضوع مواد ۶۲۲ تا ۶۲۴، سقط جنین است و عبارت به کار رفته در این مواد ناظر به جنین است، عبارت علاوه بر پرداخت دیه یا قصاص حسب مورد را به وضعیت جنین قبل و بعد از ولوج روح متوجه می‌داند و می‌گوید:

ایراد صدمه به زن و حتی مرگ وی و شرایط تحقق قصاص یا دیه در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ مشخص گردیده و نیازی به طرح مجدد آن در این موارد نبوده است. پس قانون‌گذار به تبعیت از مشهور فقها، نظریه قابل قصاص بودن قاتل جنین را برگزیده است (انتظاری، ۱۳۸۴، ص ۱۱۴). به تفاسیر حقوق دانان از این ماده مبنی بر اینکه کلمه قصاص در مورد جنین هم به کار رفته است، ایراداتی وارد گردیده است، از جمله:

۱- این سوال مطرح می‌شود که اگر مجازات سقط عمدی جنین، قصاص است، پس اگر مادر نیز مرتکب این جرم شود، باید قصاص شود.

۲- اینکه در ماده ۶۲۲ کتاب پنجم ق.م.ا. مقرر نموده «هر کس عالماً و عامداً به واسطه ضرب یا اذیت و آزار زن حامله، موجب سقط جنین وی شود، علاوه بر پرداخت دیه یا قصاص حسب مورد به حبس از یک تا سه سال محکوم خواهد شد»، این در حالی است که در ماده ۶۲۴ کتاب پنجم ق.م.ا. برای طبیب یا ماما و داروفروش و اشخاصی که با عنوان طبابت یا مامایی یا جراحی یا داروفروشی مباشرت به اسقاط جنین نمایند، صرفاً حبس از دو تا پنج سال و پرداخت دیه برای آنها مقرر شده است، بر کسی پوشیده نیست که در این صورت با اهل فن، یعنی پزشک و ماما و جراح که اکثر سقط جنین‌ها توسط این گروه صورت می‌گیرد و به لحاظ داشتن ابزار و امکانات و تخصص، ارتکاب جرم برای آنها سهل‌تر است، باید برخورد شدیدتری صورت گیرد.

باید در پاسخ این دو سوال گفت که منظور قانون‌گذار از ماده ۶۲۲ کتاب پنجم ق.م.ا. که در صدر ماده بیان گردیده است، بواسطه اذیت و آزار زن حامله، نحوه ارتکاب این جرم است نه شخصیت مرتکب، زیرا قانون‌گذار در ماده ۷۱۸ کتاب چهارم ق.م.ا. مبنی بر اینکه «هرگاه زنی جنین خود را در هر مرحله‌ای که باشد به عمد، شبه عمد، یا خطای محض از بین ببرد، دیه جنین حسب مورد توسط مرتکب یا عاقله او پرداخت می‌شود»، به وضوح زن حامله مرتکب سقط جنین خود را از شمول ماده خارج کرده است، بنابراین، زنی که جنین خود را به عمد یا غیرعمد سقط کند، به پرداخت دیه آن محکوم می‌شود و طول عمر جنین، تاثیری جز بر میزان دیه، موضوع ماده ۷۱۶ ق.م.ا. ندارد و همین‌طور افراد متخصص یا غیرمتخصص نیز اگر مرتکب سقط جنین شوند، مجازات هر یک را در ماده ۶۲۳ کتاب پنجم ق.م.ا. برای افراد غیرمتخصص و در ماده ۶۲۴ کتاب پنجم ق.م.ا. برای افراد متخصص تعیین و با در نظر گرفتن شخصیت مرتکب آنها مقرر نموده است.

۲- ایراد دیگری که بر ماده ۶۲۲ کتاب پنجم ق.م.ا. وارد شده، این است که اگر مجازات جنایت عمدی سقط جنین دارای روح، قصاص است، پس چگونه قانون‌گذار علاوه بر این مجازات یک تا سه سال حبس را برای او در نظر گرفته است؟ درحالی که به استناد روایت معتبر «لایجینی الجانی علی اکثر من نفسه» (حرعاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۲۹، ص ۸۳) که در منابع فقهی به صورت قاعده‌ای مورد قبول همگان درآمده است، نمی‌توان برای جانی علاوه بر قصاص نفس، مجازات دیگری قرار داد.

می‌توان در پاسخ به این ایراد گفت که گویا وضع مجازات تعزیری حبس از یک تا سه سال، در فرضی است که قصاص اعمال نشود و ولی دم به دیه راضی شود و به عبارت دیگر وضع مجازات تعزیری حبس از یک تا سه سال جنبه عمومی جرم آزار و اذیت است و قصاص جنبه خصوصی جرم سقط جنین است که جنبه خصوصی قابل گذشت و جنبه عمومی غیرقابل گذشت است و اگر ولی دم به دیه راضی شود و قصاص اعمال نشود، مجازات تعزیری وضع شده و پرداخت دیه اعمال می‌شود.

بنابراین:

۱- به نظر می‌رسد اولاً، قصاص مذکور در ماده فقط در خصوص جنین ذی روح می‌باشد، ثانیاً، مرتکب باید دارای سؤنیت باشد و ثالثاً، عنصر مادی و نحوه ارتکاب باید به واسطه ضرب و اذیت و آزار باشد، در واقع قانون‌گذار در ماده ۶۲۲ کتاب پنجم ق.م.ا. اقدام به تشدید مجازات به خاطر نحوه ارتکاب آن جرم نموده است.

۲- اینکه امکان دارد بواسطه آزار و اذیت که اعم از روحی و جسمی است، با ترساندن زن باردار موجب سقط جنین وی شود و هیچ‌گونه آثار ضرب و جرح در بدن زن باردار نمایان نباشد، قرینه‌ای است بر اینکه نمی‌توان واژه قصاص در ماده ۶۲۲ کتاب پنجم ق.م.ا. را بر ضرب و جرحی که به مادر وارد شده حمل نمود و نمی‌توان قصاص در ماده را تنها مربوط به آزار و اذیت زن حامله دانست، مؤید این موضوع حکم پیامبر(ص) در مورد سقط جنین به واسطه آزار و اذیت است.

در منابع تاریخی این گونه آمده است: عده‌ای از مشرکان از جمله «هبار بن اسود» به قصد اذیت کردن دختر خوانده رسول اکرم(ص) که از مکه به سمت مدینه هجرت کرده بود به تعقیب وی پرداختند. اول کسی که از مشرکان به کجاوه زینب رسید «هبار بن اسود» بود که نیزه‌ای به کجاوه زینب فرو برد. زینب که حامله بود از این حمله ترسید و زمانی که به مدینه رسید بچه‌اش را سقط کرد. از این رو پیامبر(ص) دستور داد هرکجا «هبار بن اسود» را دیدند او را به قتل برسانند (ذهبی، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۱۰۲؛ بیهقی، ۱۴۰۵ق، ج ۳، ص ۱۵۶؛ ابن اثیر الجزری، ۱۴۰۹ق، ج ۴، ص ۶۰۸؛ ابن عبدالبر، ۱۴۱۲ق، ج ۴، ص ۱۵۳۶؛ طبری، ۱۳۸۷ق، ج ۱۱، ص ۵۹۴-۵۹۵).

اگرچه این جریان در منابع امامیه با اسناد مستقل ذکر نشده و محققین شیعی چون مجلسی هم آن را از همان منابع عامی مانند تاریخ طبری و شرح ابن ابی الحدید نقل کرده‌اند (مجلسی، ۱۴۴۰ق، ج ۱۹، ص ۳۵۰)، با این حال مورد قبول قاطبه علماء امامیه واقع شده و واجد کثرت نقل در منابع عامه می‌باشد. لذا، حتی اگر نتواند دلیل مستقل بر مدعا واقع شود، لااقل می‌تواند به عنوان موید در کنار سایر ادله قرار گیرد.

۳- ماده ۶۲۲ کتاب پنجم ق.م.ا. بیشتر ناظر به افرادی بوده که از روی تعدی یا دشمنی عمداً موجب سقط می‌شوند و معمولاً این جرم همراه با خشونت است.

۴- اگر قانون‌گذار نظر بر این داشت که نحوه ارتکاب جرم در سقط جنین تاثیری ندارد، با حذف ماده ۶۲۲ کتاب پنجم ق.م.ا. به موضوع قصاص قاتل جنین خاتمه می‌داد، ولی با افزودن ماده ۳۰۶ کتاب سوم ق.م.ا. مصوب سال ۱۳۹۲ تأییدی بر این موضوع گذاشت که نحوه ارتکاب جرم در تعیین نوع مجازات سقط عمدی موثر است.

۴-۵. سقط جنین در فقه امامیه

حرمت سقط جنین از مسلمات فقه شیعه بوده و درباره حرمت قطعی سقط جنین به حکم اولی، خواه قبل از ولوج روح، خواه بعد از آن هیچ اختلافی بین فقها وجود ندارد (محسنی، ۱۳۸۲، ص ۶۹). کیفر و مجازات سقط جنین در فقه امامیه براساس مراحل گوناگون بارداری، مختلف در نظر گرفته شده است. این مجازات‌ها عبارتند از قصاص، دیه و کفاره. در اینجا به تناسب موضوع به قسم قصاص آن اشاره می‌گردد.

مشهور فقهای امامیه نسبت به ثبوت قصاص در اسقاط عمدی از جنین تام الخلقه‌ای که روح در او دمیده شده است، قائل‌اند به اینکه اگر کسی زن بارداری را بزند و فرزند او سقط شود و هنگام سقط بمیرد، ضارب وی قاتل است و اگر ضربه با قصد و عامدانه صورت پذیرد، قصاص ثابت می‌شود (موسوی خویی، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۴۱۸؛ نجفی، ۱۳۹۲، ج ۴۳، ص ۳۸۱؛ سبزواری، ۱۴۱۳ق، ج ۲۹، ص ۱۱۲؛ کاشف الغطاء، ۱۴۲۳ق، ج ۳، ص ۹۶؛ مقدس اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۴، ص ۳۳۸).
دلایل ثبوت قصاص:

۱- مهمترین دلیل بر ثبوت حق قصاص در قتل جنین دارای روح این است که جنین پس از آن که در حدود چهار ماهگی روح در آن دمیده شد، انسان و دارای نفس محترمه می‌شود و از این رو، عموم دلایل ثبوت حق قصاص نفس که موضوع آنها انسان و نفس محترمه است شامل او می‌شود.

با دقت در دلایل عام قرآنی و روایی قصاص، به این نکته می‌رسیم که موضوع حکم حق قصاص نفس و قصاص عضو، انسان و نفس محترمه است، چنانچه که قرآن کریم می‌فرماید: «وکتبنا علیهم فیها أن النفس بالنفس» (مائده، ۴۵) و در تورات بر آنان مقرر کردیم که نفس در مقابل نفس قصاص می‌شود. «یا ایها الذین آمنوا کتب علیکم القصاص فی القتلی» (بقره، ۱۷۸)، ای کسانی که ایمان آورده‌اید، بر شما مقرر کردیم که در مورد کشته شدگان، قصاص را جاری سازید. «و من قتل مظلوماً فقد جعلنا لولیه سلطاناً» (اسراء، ۳۳)، و هر کس مظلومانه کشته شود، برای ولی او سلطنت (برقصاص) قرار دادیم.
بی‌تردید عموم «النفس» در آیه نخست و «القتلی» در آیه دوم «و من قتل مظلوماً» در آیه سوم شامل جنین دارای روح می‌شود.

۲- روایت معتبر ظریف بن ناصح از امیرمومنان(ع) که مورد عمل اصحاب است به صراحت، صدق نفس بر جنین دارای روح را تایید می‌کند، در این روایت، دیه مراحل مختلف خلقت جنین قبل از دمیده شدن روح آمده و سپس مقدار دیه جنین دارای روح این گونه بیان شده است. «فاذا نشأ فیه خلق آخر و هو الروح فهو حیثئذ نفس بألف دینار کامله إن کان ذکراً و ان کان أنثی فخمسمائنه دینار» (حرعاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۲۹، ص ۳۱۲)، پس هنگامی که خلقت دیگر یعنی روح در مورد جنین تحقق یافت، پس او نفس (انسانی) می‌گردد که اگر مرد باشد، دیه او هزار دینار و اگر زن باشد، دیه‌اش پانصد دینار است.

برخی از فقیهان شیعه و اهل سنت که فتوا به ثبوت حق قصاص در سقط جنین دارای روح داده‌اند، به اجمال از این دلیل یاد کرده (ابن حزم، بی‌تا، ج ۱۱، ص ۳۱) و بعضی از فقیهان معاصر در استدلال بر ثبوت حق قصاص برای جنین دارای روح به روایت ظریف اشاره داشته‌اند (مدنی کاشانی، ۱۴۱۰ق، ص ۷۳).

جنین قبل از دمیده شدن روح به آن و در مراحل مختلف علقه، مضغه، عظام و لحم دارای مقادیری از دیه است که کمتر از دیه کامل است، اما هنگامی که روح در آن دمیده شد، به تصریح روایات معتبر و مستفیض (حرعاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۲۹، ص ۳۱۲) و به اجماع فقیهان، دیه آن به مقدار دیه کامل خواهد بود. ثبوت دیه کامل برای جنین دارای روح، دلیل و شاهدهی گویا بر این است که قتل عمدی جنین در این مرحله از حیات «موجب قصاص» است.

به عبارت دیگر، میان ثبوت دیه کامل در قتل خطایی و عمدی و ثبوت حق قصاص در قتل عمدی، ملازمه وجود دارد و هرگاه ثابت شود که اگر کسی از روی خطا سبب سلب حیات انسانی شده است، باید دیه کامل بپردازد، می‌توان نتیجه گرفت که سلب عمدی حیات همان انسان، موجب ثبوت حق قصاص برای اولیای دم او است.

این استدلال را که به دلیل ثبوت دیه کامل برای جنین دارای روح، حق قصاص قاتل جنین هم ثابت می‌شود، می‌توان به گونه دیگری نیز تقریر کرد و آن این است که ثبوت دیه کامل حکایت از این نکته می‌کند که جنین دارای روح برخلاف مراحل پیشین خلقت خود، دارای نفسی کامل است و از این رو، دیه آن نیز کامل است.

از سوی دیگر، به اقتضای ادله عام قصاص می‌دانیم که کشتن عمدی نفس کامل انسانی موجب ثبوت حق قصاص خواهد بود. در این تقریر، برخلاف تقریر نخست، ملازمه میان ثبوت دیه کامل و ثبوت حق قصاص به کمک واسطه‌ای برقرار شده است و آن واسطه، اثبات نفس کامل انسانی برای جنین دارای روح است، برخی از فقیهان معاصر به اجمال از این دلیل یاد کرده‌اند (شیرازی، ۱۴۲۰ق، ج ۹، ص ۲۱۷؛ صانعی، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۱۵۴).

۳- برای اثبات حق قصاص در قاتل جنین به روایت شیخ طوسی با سند خود از ابن فضال، از بعضی از اصحابش، از امام صادق(ع) استدلال می‌شود.

امام(ع) در این روایت می‌فرماید: «کل من قتل شیئاً صغیراً و کبیراً بعد أن یتعمد فعلیه القود» (حرعاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۲۹، ص ۷۶)، هرکس چیز (انسان) کوچک یا بزرگی را بعد از تحقق قصد عمد بکشد، قصاص بر او است. مقصود از صغیر و کبیر در روایت، انسان صغیر و کبیر است که اطلاق صغیر، شامل جنین دارای روح هم می‌شود. ذکر چند نکته:

- ۱- ماده ۶۲۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ براساس نظریه مشهور فقها تصویب شده بود.
- ۲- فقها بر این مورد اتفاق نظر دارند که اگر ضربه‌ای به زن باردار برخورد کند و بر اثر آن ضربه، جنین سقط شود، در صورت عمد ضارب باید قصاص شود (نجفی، ۱۳۹۲، ج ۴۳، ص ۳۸۱).
- ۳- اینکه استدلال شده بر اینکه در روایات موجود بر قصاص قاتل جنین تصریح نشده و بر روایات ابوعبیده از امام صادق(ع) استناد می‌کنند که درباره زنی که حامله بود و دارویی می‌خورد تا جنین خود را اسقاط کند، امام با وجود قتل عمد برای او دیه تعیین می‌کند و به قصاص اشاره نمی‌شود. در پاسخ باید گفت این قیاس مع‌الفارق است، بله در هر شرایطی در قانون و فقه طبق روایات بر مادر جنین اگر مرتکب این جرم شود، دیه تعیین شده و خود نیز از دیه ارثی نمی‌برد و نمی‌توان این حکم را با شرایطی که جنین بواسطه دیگری سقط شود، قیاس کرد.
- ۴- انسان متشکل از روح و بدن است و جنین تام الخلقه نیز هر دو را واجد است و به عبارت دیگر انسان چیزی جز بدنی کامل که در او حیات است، نمی‌باشد و از طرف دیگر جنینی که بیش از چهار ماه از حیات وی می‌گذرد این ویژگی را داشته و مصداق انسان کامل بوده و لذا عموم ادله قتل نفس و قصاص شاملش می‌شود و نمی‌توان میان جنین به جهت مخفی بودن در رحم مادر با غیر او تفاوت گذاشت و الا لازمه قول به چنین تفاوتی این است که در صورت قتل انسانی که بعد از تولد در جایی مخفی و از انظار به دور بوده نیز قاتل به عدم قصاص شویم! زیرا تنها تفاوت چنین انسانی با جنینی که روح در او دمیده شده همین است و الا هر دو در واقع به دنیا آمده و پا در عرصه وجود گذاشته‌اند، اگرچه یکی در رحم مادر و دیگری در مکانی دیگر پنهان شده است.

۵. نتیجه‌گیری

معدودی از کشورهای جهان سقط جنین را مطلقاً ممنوع و عده‌ای دیگر مطلقاً جائز می‌دانند. بیشتر کشورهای جهان حد وسط را اختیار کرده‌اند، به طوری که فقط در صورت وجود ادله موجه جواز این عمل را می‌دهند. به نظر می‌رسد غالباً آن دسته از کشورها که با سقط جنین در غیر شرایط اضطراری مخالفند یا صبغه مذهبی اعم از مسیحی و اسلامی دارند و یا در اندیشه جلوگیری از رشد منفی جمعیت کشورشان هستند. در مقابل آن دسته از کشورها که با سقط جنین در غیر شرایط اضطراری و حتی تنها به دلخواه مادر موافقت یا صبغه لائیک داشته و تفکرات فمینیستی در آنها غلبه دارد و یا جهت کثرت جمعیت کشورشان سیاست کنترل جمعیت را در پیش گرفته‌اند. در این میان ایران جزء کشورهای دسته اول می‌باشد و طبیعتاً قوانینش به آن کشورها نزدیک‌تر است. بر این اساس در قوانین کیفری خود در مورد سقط جنین عمدی جرم انگاری نموده است. اما این جرم‌انگاری در قوانین موضوعه داخلی دچار ابهام است و با برطرف شدن مقصود از مجازات قصاص در ماده ۶۲۲ قانون مجازات گره اصلی از این موضوع باز شده و رفع ابهام می‌گردد.

بررسی‌ها نشان می‌دهد مادر نمی‌تواند مقصود قانونگذار از واژه قصاص در ماده ۶۲۲ باشد و مقصود از قصاص در این ماده مجازات سقط جنین است، زیرا ضرب و جرح وارد بر مادر مشمول عموم مقررات قصاص و دیات بوده و نیازی به تصریح مجدد نداشته است. بنابراین، قانونگذار با وضع ماده ۶۲۲ اقدام به تشدید مجازات به خاطر نحوه ارتکاب جرم سقط نموده است، به این توضیح که مقنن، جرم سقط جنین عمدی را در مورد جنین ذی روح علاوه بر تقسیم به دو صورت قابلیت حیات داشتن و نداشتن در خود ماده، نسبت به ماده ۶۲۲ نیز به دو صورت تقسیم دیگری نموده است، یکی با رضایت مادر (حال یا با مباشرت خود مادر یا توسط متخصص یا غیر متخصص) و دیگری بدون رضایت مادر و با تعدی و تجاوز و قهر و غلبه نسبت به وی که برای صورت نخست تنها مجازات دیه را مقرر داشته و برای صورت اخیر مجازات قصاص را. حبس در این ماده نیز مربوط به جنبه عمومی جرم است و لذا قابل جمع با قصاص بوده و منافاتی ندارد.

موید نتیجه بحث، حکم رسول خدا(ص) در مورد هبار بن اسود است که در ضمن بحث به آن اشاره شد. هبار به قصد آزار زینب دختر خوانده پیامبر(ص)، وی را ترساند که در اثر آن وقتی زینب به مدینه رسید، فرزندش را سقط نمود. پیامبر اکرم(ص) خون وی را مباح اعلام کرد و مجازات چنین اسقاط جنینی را قتل دانست. ابن ابی الحدید بعد از نقل خبر هبار می‌گوید، این خبر را برای نقیب ابو جعفر خواندم. نقیب گفت: وقتی رسول خدا(ص) به خاطر ترساندن زینب و افتادن بیچه از شکم او، خون هبار ابن اسود را مباح کرد، معلوم است که اگر در زمان فاطمه(س) زنده بود، بدون شک خون کسانی که فاطمه(س) را ترسانده تا سقط جنین کرد، مباح می‌نمود (ابن ابی الحدید، ۱۳۹۴ ج ۱۴، ص ۱۹۲).

منابع قرآن کریم

۱. ابن ابی الحدید، عبدالحمید (۱۳۹۴). شرح نهج البلاغه. تهران: نیستان، ج ۱۴.
۲. ابن اثیر جزری، علی بن محمد (۱۴۰۹ق). اسد الغابه فی معرفه الصحابه. بیروت: دارالفکر، ج ۴.
۳. ابن حزم اندلسی، علی بن احمد (بی تا). المحلی. بیروت: دارالفکر، ج ۱۱.
۴. ابن عبدالبر، ابو عمر یوسف بن عبدالله (۱۴۱۲ق). الاستیعاب فی معرفه الاصحاب. بیروت: دارالجیل، ج ۴.
۵. ابن منظور، جمال الدین (۱۴۱۴ق). لسان العرب. بیروت: دارصادر، ج ۱۳.
۶. اردبیلی، محمدعلی (۱۳۸۳). سقط جنین در بارداری ناشی از زناى به عنف. تحقیقات حقوقی، شماره ۳۹، ص ۱۳۳-۱۶۲.
۷. آقایی، سید مجتبی (۱۳۸۴). سقط جنین و دین زرتشتی. باروری و ناباروری، دوره ۶، شماره ۴، ص ۳۶۱-۳۴۹.
۸. انتظاری، ابوالفضل (۱۳۸۴). بررسی تطبیقی سقط جنین و آثار حقوقی آن. تهران: موسسه فرهنگی انتشاراتی نگاه بین.
۹. انیس، ابراهیم و دیگران (۲۰۰۴م). المعجم الوسیط. بی جا: مجمع اللغة العربیه، ج ۱.
۱۰. بیهقی، ابوبکر احمد (۱۴۰۵ق). دلائل النبوه و معرفه احوال صاحب الشریعه. بیروت: دارالکتب العلمیه، ج ۳.
۱۱. حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ق). وسایل الشیعه. قم: آل بیت لاحیاء التراث، ج ۲۹.
۱۲. حسین جانی، بهمن (۱۳۸۲). حقوق جزای اختصاصی (۱). تهران: انتشارات حقوقی مجد.
۱۳. دهخدا، علی اکبر (۱۳۳۷). فرهنگنامه دهخدا. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۴. ذهبی، شمس الدین محمد (۱۴۰۹ق). تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الاعلام. بیروت: دار الکتب العربی، ج ۳.
۱۵. سبزواری، سید عبدالاعلی (۱۴۱۳ق). مهذب الاحکام. قم: موسسه المنار، چاپ چهارم، ج ۲۹.
۱۶. سرخه، محمود؛ ملکزاده، مژگان (۱۳۹۵). بررسی تطبیقی جرم سقط جنین در حقوق ایران و جمهوری عربی مصر. در: نخستین همایش ملی علوم اسلامی حقوق و مدیریت. قم: دانشگاه علمی کاربردی، استناداری قم.
۱۷. شرتونی لبنانی، سعید (۱۴۰۳ق). اقرب الموارد فی فصیح العربیه و الشوارد. قم: منشورات مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، ج ۱.
۱۸. شهید ثانی، زین الدین (۱۳۸۸). الروضه البهیة فی شرح اللمعه دمشقیه. بی جا: دارالتفسیر، ج ۸.
۱۹. شهیدی، مهدی (۱۳۸۲). روش های نوین تولید مثل انسانی از دیدگاه فقه و حقوق. تهران: سمت؛ پژوهشکده ابن سینا، چاپ دوم.
۲۰. شیرازی، سید محمد (۱۴۲۰ق). الفقه البیئه. بیروت: موسسه الوعی الاسلامی، ج ۹.
۲۱. صانعی، یوسف (۱۳۸۴). اسفئات قضایی. تهران: نشر میزان، ج ۱.

۲۲. صدر حاج سید جوادی، احمد؛ خرمشاهی، بهاء‌الدین؛ فانی، کامران (۱۳۸۳). **دایره المعارف تشیع**. تهران: نشر شهید محبی، ج ۵.
۲۳. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر (۱۳۸۷ق). **تاریخ الطبری**. بیروت: دارالتراث، چاپ دوم، ج ۱۱.
۲۴. طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۴۰۳ق). **مجمع البحرین**. بیروت: داراحیاء التراث العربی، ج ۶.
۲۵. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب (۱۴۱۵ق). **القاموس المحيط**. بیروت: دار الکتب العلمیه، ج ۴.
۲۶. کاشف الغطاء، احمد بن علی (۱۴۲۳ق). **سفینه النجاه و مشکاه الهدی و مصباح السعادت**. نجف: موسسه کاشف الغطاء، ج ۳.
۲۷. کوزه‌گر، محمدعلی (۱۳۸۶). **چکیده پزشکی قانونی**. تهران: غافر.
۲۸. گلدوزیان، ایرج (۱۳۸۹). **حقوق جزای اختصاصی**. تهران: انتشارات مجد، ج ۱.
۲۹. مجلسی، محمدباقر (۱۴۴۰ق). **بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار علیهم السلام**. بیروت: دار احیاء التراث العربی، ج ۱۹.
۳۰. محسنی، محمد آصف (۱۳۸۲). **الفقه و المسائل الطیبه**. قم: بوستان کتاب.
۳۱. مدنی کاشانی، رضا (۱۴۱۰ق). **متاب القصاص للفقهاء و الخواص**. قم: مؤسسه نشر اسلامی.
۳۲. مقدس اردبیلی، احمد بن محمد (۱۴۰۳ق). **مجمع الفائده و البرهان فی شرح ارشاد الازهان**. قم: دفتر انتشارات اسلامی، ج ۱۴.
۳۳. مایوسفی، مجید (۱۳۸۸). **بررسی و نقد دیدگاه جودیت جارویس در دفاع از سقط جنین**. فلسفی کلامی، دوره ۱۱، شماره ۲، ص ۱۷۸-۱۵۶.
۳۴. موسوی خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۲۲ق). **مبانی تکمله المنهاج**. قم: موسسه احیاء آثار الامام الخوئی، ج ۲.
۳۵. نجفی، محمدحسن (۱۳۹۲). **جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام**. قم: جامع مدرسین حوزه علمیه قم، ج ۴۳.
۳۶. ولیدی، محمد صالح (۱۳۹۱). **حقوق جزای اختصاصی**. تهران: موسسه انتشارات امیرکبیر، ج ۲.

۳۷. **Concluding Observations of the common The Right of the Child: chad**, ۲۱ st sess., ۳۰, U.N. Ooc. CRC/C/۱۵/Add. ۱۰۷ (Aug. ۲۴, ۱۹۹۹).